

مهرشاد ایمانی؛ سال ۱۴۰۰ آخرین سال از قرن چهاردهم به حساب می‌آید؛
قرنی سرشار از رخداد‌های مهم سیاسی و اقتصادی که تحولات مهمی را رقم زد. در مطلب پیش‌رو قصد داریم به بهانه نزدیک‌شدن به آخرین سال قرن مهم‌ترین اتفاقات اقتصادی را که در صد سال اخیر در حوزه سیاسی منشا اثر بوده‌اند، بررسی کنیم.

سقوط قاجاریه وروی کار آمدن رضاشاه

چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ بود که رضاخان رسماً تاج‌گذاری کرد و حکومت پهلوی آغاز شد. وضعیت اقتصادی ایران در دوران قاجار به‌شدت به‌هم‌ریخته و شلخته بود؛ زیرا شاهان قاجار و به‌ویژه متأخران آنها کشور را ملک طلق خود می‌دیدند و کشور را در عرصه‌های گوناگون اعم از سیاسی، ژئوپلیتیک و اجتماعی به ویرانی کشاندند که همه اینها بر اقتصاد داخلی نیز تأثیرات مستقیم خود را بر جای گذاشت؛ اما با روی کار آمدن رضاشاه و اقداماتی که او در حوزه توسعه اقتصادی انجام داد، شرایط اقتصادی ایران به کلی دستخوش تحولات مهمی شد؛ هرچند به موازات توسعه سیاسی به محاق رفت و مردم با حکومتی اقتدارگرا روبه‌رو شدند. با این حال به گواه مستندات تاریخی نمی‌توان از توسعه اقتصادی رضاشاه به‌سادگی عبور کرد. از نوسازی نظام بانکداری در ایران گرفته تا پیشرفت‌های صنعتی به‌ویژه در کشاورزی و دامداری. در دوران او بود که کشاورزی سنتی ایران، برای نخستین‌بار مکانیزه شد و اصول کار وارد آن شد. در همان دوران بود که در کنار قانون‌نویسی‌های گسترده، قانون تجارت نیز وضع شد تا مبادلات تجاری نظمی یابد. بر همه اینها باید احداث راه‌آهن را هم بیفزاییم؛ بنابراین وقتی به سال‌های پس از قاجاریه نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که در اواخر دهه دوم قرن چهاردهم ایران با رشد صنایع تولیدی، افزایش نسبی درآمدهای دولتی ناشی از تثبیت و افزایش درآمدهای ناشی از فروش نفت، پایان کار ساخت راه‌آهن سراسری، شهرسازی و جاده‌سازی و البته بروکراتیزه‌شدن هرچه بیشتر کار و زندگی مردم مواجه شد.

جنگ جهانی دوم و ویرانی اقتصاد ایران

اما با پایان دومین دهه از قرن شرایط کلی کشور تحت تأثیر جنگ جهانی دوم قرار می‌گیرد. ایران عرصه تاخت و تاز روس‌ها و انگلیس‌ها می‌شود و در نهایت رضاشاه استعفا می‌دهد و با کمک‌های محمدعلی فروری فرزند او یعنی محمدرضا پهلوی نانشین رضاشاه می‌شود؛ اگرچه در آن سال‌ها عملاً قدرت در اختیار اشغالگران روس و انگلیس بود. حضور نیروهای نظامی متفقین در ایران پیامدهای اقتصادی ویرانگری داشت، افزایش تقاضا برای کالاهای اساسی مانند گندم، جو و برنج و افزایش شدید قیمت این اقلام موج تومی شدیدی را برآورده بود که در نهایت به کمبایی این محصولات منجر می‌شد و شماییلی از قحطی را تصویر می‌کرد. زیرساخت‌هایی مانند مخابرات، راه‌آهن یا جاده‌ها نیز وضعیتی مشابه با تأمین مواد غذایی داشت. درعین‌حال کاهش درآمدهای نفتی و هم‌افزین شدن شدید ارزش ریال در برابر ارزهای دیگر به مصائب و مشکلات اقتصادی ایران در آن سال‌ها می‌افزود.

کشمکش بر سر نفت شمال

نیمه دوم دهه سوم قرن چهاردهم یکسره به منازعات و کشمکش‌های نفتی گذشت؛ از تصویب‌نشدن امتیاز نفت شمال به شوروی در مجلس و گلابه حزب توده از این تصمیم و انشعاب این حزب تا تلاش دکتر مصدق به‌عنوان نماینده مجلس شورای ملی و بعدتر نخست‌وزیر برای ملی‌کردن صنعت نفت ایران که به یکی از مهم‌ترین وقایع قرن بدل شد. ایده «سیاست موازنه منفی» که ایده محوری محمد مصدق بود، از یک سو اجزای اعطای امتیاز نفت به شوروی را نداد و پس از آن برای انگلیس‌ها مدرس‌ساز شد که زمینه ملی‌شدن صنعت نفت را فراهم آورد.

تأسیس سازمان برنامه و بودجه

سال ۱۳۲۷ را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین سال‌ها در اقتصاد ایران دانست؛ سالی که در آن سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌شود تا اقتصاد ایران به واسطه این سازمان دگرگون شود. سازمان برنامه و بودجه تشکیل شد. در اهداف این سازمان آمده است: سازمانی مستقل که تابع تحولات سیاسی نباشد، برای ابتکار و سرپرستی و نظارت در برنامه ایجاد شود، باید این سازمان از هر نوع عمل اجرایی مستقیم احتراز کند تا جنبه یک وزارتخانه یا یک دستگاه فوق وزارتخانه‌ها یا دولت مستقلی در داخل دولت پیدا نکند، باید بیشتر مداخله آن جنبه مطالعه و شور و نقشه‌کشی و تدوین مقررات و اننامهیی و هماهنگ‌کردن عملیات دستگاه‌های اجرایی و نظارت در اجرا و پرداخت هزینه

(آگهی فقدان مدرک تحصیلی)

گواهی موقت مدرک تحصیلی اینجناب **زینب شیخ آزادی فرزند اسدالله به شماره شناسنامه ۱۶۴۵ صادره از اندیمشک در مقطع کارشناسی در رشته مهندسی شیمی پتروشیمی صادره از واحد دانشگاهی آزاد ذول فول به شماره ه ۹۱۲۰ مفقود گردیده و فاقداعتبار می‌باشد.**
از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد ذول فول به نشانی خوزستان ذر فول بلوار آردانگان میدان دانشگاه یا یکد پستی ۳۱۳ ارسال نماید.

«شرق» **برای سال ۱۴۰۱ منتشر می‌کند**

سررسید «عصر حرکت»

برای سفارش با شماره‌های زیر تماس بگیرید

واتس‌آپ ۰۹۳۵۵۰۷۱۴۸۳**۰۲۱-۸۸۹۰۳۵۴۸**

سیاست

مهم‌ترین رخداد‌های اقتصادی قرن چهاردهم

از ملی‌شدن نفت تا حذف یارانه‌ها



می‌نامند، نتوانست تا پایان برنامه دوم عمرانی بر سر سازمانی که به آن حیثیت بخشیده بود بماند و پس از چهار سال در ماه‌های پایانی سال ۱۳۳۷ از سمت خود کناره‌گیری کرد و پاییز سال بعد کارش به بازداشت و زندانی‌شدن کشید.
اصلاحات ارضی بدون شک مهم‌ترین رخداد اقتصادی که تأثیر بسیاری بر سیاست هم داشت، اصلاحات ارضی بود؛ تصمیمی که برخی آن را حتی زمینه‌ساز انقلاب سال ۵۷ هم می‌دانند. اصلاحات ارضی در ایران با تصویب قانون اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۴۰ آغاز شد و با رفراندوم ششم بهمن ۱۳۴۱ به مرحله اجرا درآمد. اصلاحات ارضی در سه مرحله انجام شد: در مرحله نخست تعیین شد که هیچ مالکی بیش از شش‌دانگ زمین در چند دهه مختلف داشته باشد. دولت زمین‌های مازاد بزرگ‌مالکان را خریداری کرد و بخش‌هایی را که دارای زارعان صاحب نسق بودند، به صورت اقساطی به آنها فروخته و زمین‌های بلاکشت باقی‌مانده تحت عنوان اراضی دولتی در اختیار دولت قرار می‌گرفت. با فروش سهام کارخانجات دولتی، ترتیب بازپرداخت بهای زمین‌ها به مالکان فراهم شد. در مرحله سوم، صاحبان زمین‌های استیجاری می‌باید یا به تقسیم درآمد حاصل از اجاره بپردازند یا بر اساس قراردادهای اجاره، زمین‌ها را به زارعان بفروشند. به عبارت دیگر، مالکان موظف شدند یا ملک کشاورزی خود را برای ۳۰ سال به کشاورزان اجاره نقدی دهند یا آن را با توافق به آنها بفروشند. به این ترتیب حداکثر مالکیت زمین‌ها در دست یک مالک بسیار محدود شد. املاک شوروی نیز بر اساس درآمد آن زمین به اجاره درآمدت ۹۹ساله به کشاورزان واگذار شد. درباره حقوقات خاص، متولیان مجبور به فروش آنها به دولت و تقسیم آن بین کشاورزان شدند. در مرحله سوم، مالکانی که ملک خود را اجاره داده بودند، بر اساس قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعان مستاجر مصوب ۱۳۴۷ ملزم شدند یا زمین خود را به زارعان بفروشند یا با رضایت مالک و زارع به تقسیم بهره مالکانه یا عرف محل آن را با یک‌دیگر تقسیم کنند. محمدرضا پهلوی ادعا کرده است این اقدام موجب شد همه کشاورزان ایران صاحب زمین شوند و ایران از یک کشور فئودالی به سوی «کشاورزی آزاد» و «صنعتی‌شدن» کام بردارد.

رشد اقتصادی دهه ۵۰

افزایش درخورد توجه و شدید قیمت نفت چنان بود که درآمدهای ۲٫۵ میلیارد دلاری حاصل از فروش نفت در سال ۱۳۵۱ در سال ۵۲ به حدود هشت میلیارد دلار و یک سال پس از آن به ۲۱ میلیارد دلار بالغ می‌شد. همین رشد شدید درآمدهای نفتی این وسوسه را ایجاد می‌کرد که هرچه بیشتر و سریع‌تر روند توسعه طی شود؛ حال آنکه کارشناسان و اقتصاددانان با آگاهی از محدودیت‌های ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های کشور، نسبت به عواقب این وسوسه که عمدتاً از سوی شاه دنبال می‌شد، هشدار می‌دادند. اما منتقدان یک به یک دچار قهر و غضب شاه می‌شدند و جایگاه اداری و مسئولیت خود را از دست می‌دادند. رخ تورم از سال ۱۳۵۲ دورقمی شد و در سال ۵۶ که سال پایانی برنامه پنجم بود، به حدود ۲۵ درصد رسید. متوسط نرخ رشد اقتصادی نیز رو به افول گذاشت و به تقریباً نصف سال‌های برنامه چهارم و پنجم رسید. افزایش پیشین کاهش یافت تا آنکه از سال ۱۳۵۵ روند افول نرخ رشد بخش صنعت و کاهش‌شدن نرخ رشد آغاز شد. آرام‌آرام نوسان نرخ تورم نیز در کانال ۱۵ تا ۱۶ درصد تثبیت شد و همراه با این تغییرات، رشد اشتغال نیز افت کرد.

انقلاب و مصادره اموال سرمایه‌داران

هفتم فروردین‌سیب‌های اقتصادی دوران پهلوی در نهایت با انقلاب اسلامی سال ۵۷ پایان یافت. از سال ۵۷ تا ۶۰ را می‌توان دوران انقلابی‌گری دانست؛ دورانی که بسیاری از اموال سرمایه‌داران دوران پهلوی ازجمله کارخانه‌های متعدد مصادره شد و به نوعی در این مقطع شاهدیم که بسیاری از سرمایه‌ها به سمت دولتی‌شدن حرکت می‌کند. مظاهر عدالت‌خواهی هم در سیستم حکمرانی ایران حاکم می‌شود. چند ماه پس از انقلاب، فضای انقلابی، سرمایه‌گذاری و تولید را متوقف کرد. در آن دوران تورم افزایش یافت و البته رکودی شایان توجه هم مشاهده می‌شد. تسخیر سفارت آمریکا نیز یکی از رخدادهایی بود که در همان سال‌ها انجام شد؛ رخدادی که باعث بلوکه‌شدن بسیاری از دارایی‌های ایران در آمریکا شد.

جنگ

دهه ۶۰ را شاید بتوان دهه جنگ نامید. دولت در سال‌های جنگ درگیر تأمین ارزاق عمومی و رساندن کالاهای اساسی به مردم، جلوگیری از قحطی و تأمین نیازهای جنگ بود. البته با وجود تمام آن شرایط سخت دولت میرحشام موسوی توانست ایران را از قحطی ناشی از جنگ نجات دهد و به گواه بسیاری از کارشناسان بهترین مدیریت در آن شرایط از سوی دولت موسوی ارائه شد.

هاشمی و دولت زندگی

پدیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و متعاقبش پایان جنگ وضعیت اقتصادی ایران را متحول کرد. در سال ۶۸ و پس از ارتحال رهبر فقید

سال نوزدهم • شماره ۴۲۲۸ • روزنامه *شرق*

ادامه از صفحه اول

دولت روسیه و آمریکا بر سر اوکراین

بنابراین در نگاه پوتین هر برگ برنده‌ای در راستای گسترش مرزها به دست آورد، بهترین راه از میان برداشتن هر ناراضی سیاسی نظیر نواتی خواهد بود که از سوی غرب به‌عنوان آلت‌ناتیو پوتین مورد حمایت قرار می‌گیرد. همین خضمی از سوی رهبران چین اتخاذ شد و در ۴۰ سال گذشته همه تلاش خود را بر احیای مرزهای چین سابق گذاشتند و هنگ‌کنگ و ماکائو را به دست آوردند و درصدد کسب مالکیت و حاکمیت تایوان به‌عنوان آخرین قطعه جدانشده در سال ۱۹۴۹ از سرزمین اصلی هستند. این اقدامات رهبران چین در کنار سیاست درهای باز چین برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و رشد و توسعه اقتصادی، باعث تقویت روحیه مردم چین و قبول حاکمیت کمونیستی شده است. ژاپن هم با بسیج آرزوهای مردم حول بازیس‌گیری جزایر ساخالین که در وابسین روزهای جنگ دوم جهانی به دست شوروی سابق اشغال شد، توانسته به وحدت ملی مردم خود پاسخ مناسب دهد. با اینکه انقلاب نقطه‌عطفی برای بازنگری در حدود و مرزهای ایران به‌شمار می‌رفت، اما دولت‌ها ن‌تنها توجهی به این عامل مهم نداشتند، بلکه در وادی دیگری به سر می‌بردند و مقاصد دیگری را دنبال می‌کردند. درحالی‌که استقلال غیرحقوقی بحرین و در فرصت فروپاشی شوروی و مجوز استقلال آذربایجان و ارمنستان و به‌طور کلی ادعاهای دیرین ایران بر عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای و بقیه، جای آن را داشت که مسئولان ایرانی با اعلام تحفظ بر روزی سرزمین‌های از دست‌رفته، به آرزوهای تاریخی و معقول مردم ایران توجه و عنایت می‌کردند و از این طریق مجبوبیتی در دل مردم برای خود به جود می‌آوردند تا به وحدت ملی تبدیل شود. بنابراین فلسفه این لشکرکشی بزرگ برای پوتین با حساب‌و‌کتاب بوده و تا اینجا توانسته توجه مردم تحقیرشده روسیه را برای خود جلب کند که اگر کماکان بر سر قدرت باشند، می‌تواند سربلندی و افتخارات شوروی سابق را بدون حزب کمونیست برای روسیه کسب کند. اکنون برای تمام‌کردن این بازی بزرگ، انتخاب‌های چندی پیش پای پوتین قرار دارد. اگر به جنگ در اوکراین مستقیماً دست یازد و آن را اشغال‌کند، نتیجه آن نامعلوم و ممکن است ضررهایش بیش از منفعت‌هایش باشد. اگر در مذاکرات دیپلماتیک با غرب امتیازاتی گرفته و عقب‌نشینی کند، جدا از اینکه غرب ناپسند نمی‌دهد آماده دادن امتیاز باشد، نتیجه است هزینه این لشکرکشی بزرگ دستمایه انتقادهای تند غرب و ناراضیان داخلی قرار گیرد که جزا پوتین برای هیچ، این همه هزینه بر خرانه عمومی بار کرده است. امید پوتین به این است که تحت فشار نظامی روسیه، دولت زلنسکی یا سقوط کند یا به‌هرسمت‌ناشناختن شورشیان طرفدار روسیه در اوکراین، حکومت زلنسکی را به زانو درآورند و پوتین با بهانه اینکه به اهداف رسیده است، با نفوذ دوفاکتو در ساختار سیاسی اوکراین، لشکر بزرگ خود را به عقب برگرداند. اما غرب شامل آمریکا و اروپا درباره این اهداف پوتین چه فکر می‌کند؟

از نظر رهبران آمریکا همان‌طور که بایدن به‌صراحت اظهارنظر کرد، اگر قرار باشد آمریکا به حساب چین برسد، باید فکری به حال همتای روسی‌اش کند وگرنه ممکن است در موقع مناسب نظیر دهه ۱۹۵۰، این دو کشور کمونیستی با هم علیه آمریکا متحد شوند. از طرف دیگر، آمریکا می‌خواهد در وقت مناسب روسیه را به همان حد یک قدرت منطقه‌ای برگرداند و از سوی سوم آمریکا می‌خواهد یروپال روسیه را از نظر اقتصادی بشکند. این فرصت مناسب هنگامی فراهم می‌شود که روسیه با پای خودش به منطقه بحرانی وارد شود. روسیه که با لشکرکی عظیم به اوکراین آمده است، از دید آمریکا نباید به سلامت برگردد. اروپا و آمریکا متحداً قصد ندارند هیچ امتیازی در مورد عدم گسترش ناتو به پوتین بدهند و آمریکا برعکس می‌خواهد دست پوتین را در بحران اوکراین تا جای ممکن بیشتر برود. نگرانی آمریکا این نیست که در اوکراین جنگ واقعی صورت گیرد، بلکه برعکس برای گیرانداختن روسیه، این جنگ شاید لازم باشد. به همین خاطر بایدن با صراحت اعلام کرده اوکراین عضو ناتو نیست که ناتو نیروی نظامی به آنجا گسیل دارد. این سیگنال باعث تشویق پوتین به ورود نظامی به اوکراین می‌شود که در راستای اهداف آمریکااست. اما موضوع اروپا یا آمریکا در این مورد متفاوت است. اروپا مایل است جنگ در اوکراین شعله‌ور نشود که از آن طریق کل اروپا در خطر جنگ و درگیری قرار گیرد. به هدف دیگر آمریکا مبنی بر کاهش قدرت اقتصادی روسیه، می‌توان به بهانه تعرض روسیه به اوکراین جامعه عمل پوشاند. اروپا و آمریکا متحداً هشدار داده‌اند در صورت تعرض روسیه به اوکراین یا به‌خطرآفتادن تمامیت ارضی اوکراین، تحریم‌های کم‌رشدن در انتظار روسیه خواهد بود. روسیه هم در فکر تحریم غرب بر روی دو ماده فلزی صادراتی تیتانیوم و پالادیوم است که از اولی در ساخت هواپیما و از دومی در تولید خودرو استفاده می‌شود. آمریکا هم چند سال است به انتقاد از آلمان پرداخته که چسرا لوله‌گاز صادراتی روسیه نورداستریم ۲ از روسیه به آلمان کشیده شود؛ و بحران اوکراین فرصتی مناسب را برای تعطیل‌کردن این پروژه گازی به‌طور طبیعی فراهم کرده است. آلمان به شرطی با تعطیلی این پروژه موافق است که گاز جایگزینی به جای گاز روسیه معرفی شود. اگر همه امکانات جهانی جست‌وجو شود، با کمال تعجب، تنها گاز صادراتی ایران که به‌نوعی در سال‌های اخیر به‌طور غیرمستقیم در کنترل روسیه قرار گرفته است، می‌تواند جایگزین گاز روسیه شود. اما سؤال اصلی این است که آیا مسئولان در ایران متقاعد شده‌اند بر اساس منافع ملی به دعوی روسیه و آمریکا بنشینند؟ اگر روسیه به جای ایران بود، همچنان که بارها نشان داده است، به چیزی جز منافع ملی کشورش نمی‌اندیشید.

• **استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه**